

## بازار ایران در تسخیر کالاهای چین

با نگاهی گذرا به بازارهای ایران و سیری در فروشگاهها و مغازه های گوناگون به سرعت درمیابیم که انواع و اقسام کالاهای چینی که غالباً هم‌عاری از کیفیت مطلوب بوده و به گفته اکثر مردم اجناسی یکبار مصرف می باشند بازار کشور را در اشغال خود گرفته اند. از انواع پوشاک و کفش گرفته تا میز و صندلی و مبیل. از وسایل و ابزار کار گرفته تا ظروف و تابلو و قاب عکس. از انواع فرش و کارهای دستی و لوستر گرفته تا وسایل الکترونیک و لوازم صوتی تصویری و در یک جمله همه و همه چیز چینی بازارهای ایران را تسخیر کرده است. این واردات گسترده از چین به چه منظور صورت می گیرد و چه نتایجی به بار می آورد و پی آمدهای آن چیست؟ در بررسی علت باز شدن دروازه های کشور به روی کالاهای چینی به دو علت اصلی می توان دست یافت:

۱- سودجویی برخی افراد غالباً وابسته به حاکمیت که تولید و منافع ملی را پیش پای منافع شخصی خود ذبح می کنند و با وارد کردن گسترده کالا از چین سود سرشاری را به جیب میزنند و در کنار این سودجویی خود سالیانه میلیاردها دلار را از کیسه ملت ایران به شریان های اقتصاد چین تزریق می کنند.

۲- مقاصد سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی بمنظور دست و پا کردن یک همراه یا یک حامی دیپلوماتیک در عرصه بین المللی و سازمان ملل متحد و یا در حقیقت این نوعی باج دهی به چین برای کسب حمایت است که البته تاکنون اثری از پشتیبانی جدی این کشور از دولت جمهوری اسلامی دیده نشده است.

باید دانست که در آینده با ورود ایران به سازمان تجارت جهانی خود بخود مرزهای تجاری ایران باز خواهد شد و موازین این سازمان جهانی تحقق خواهد یافت ولی این شرایطی است که ایران هنوز فاصله ای چندین ساله با آن دارد و در اوضاع فعلی کالاهای چین در ابعاد گوناگون زیان بار و آسیب زنده به منافع ملت ایران است. این واردات وسیع از چین هزاران کارخانه و کارگاههای کوچک و بزرگ کشور حتی تولید کنندگان کارهای هنری و صنایع دستی را به ورشکستگی و توقف کشانده و صدها هزار فرصت کار را برای هموطنان ما که از بیکاری روز افزون در رنج و عذابند از بین برده و میلیاردها دلار از ثروت مردم ما را به باد می دهد. در حال حاضر جلوگیری از ورود کالاهایی که مشابه آنها در داخل کشور تولید می شود اولین اقدام حاکمیت ملی در جهت حمایت از تولید کنندگان داخلی و ایجاد فرصت های شغلی برای انبوه جوانان مستعد و لایق این سرزمین است. با این اقدام همچنین از هدر رفتن میلیاردها دلار درآمد های حاصل از فروش نفت هم که فقط باید در صنایع تولیدی و در جهت رفاه نسل های آینده سرمایه گذاری شود و پیشگیری می شود.

مشارکت داشته است و اینک بر آن است سازمان کشورهای تولید و صادرکننده گاز مرکب از روسیه، ایران، ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان را تشکیل دهد، که بی تردید در بازار مورد بحث نقش محوری خواهد داشت. البته این رویداد برای کشورهای تازه استقلال یافته که از احیای سلطه و نفوذ روسیه نگرانند و برآند از طریق پیوندهای اقتصادی با دیگر قدرتهای جهان، استقلال و آزادی عمل خود را حفظ نمایند ایجاد چنین بازاری با حضور محوری برادر بزرگتر شاید برای آنها از جهتی چندان خوش آیند نباشد.

خلاصه آنکه اعلامیه اصول که عمدتاً سندی است سیاسی تا حقوقی بیش از هر چیز و هر کس بنفع روسیه و ناظر به تقویت و تحکیم نفوذ این کشور در امور اقتصادی کشورهای ساحلی دریای مازندران است، که بی تردید اثرات خاص خود را در سایر کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در پی خواهد داشت. به دیگر سخن حضور و نفوذ روسیه رادر منطقه خزر افزایش خواهد داد و زمینه را برای احیای سلطه سیاسی آن فراهم خواهد ساخت و موضع روسیه رادر قبال قدرتهای رقیب تقویت خواهد کرد و بالاخره جایگاه و نقش روسیه را در روابط بین الملل ارتقاء خواهد داد.

از سوی دیگر چنانکه می دانیم مبانی حقوقی و تاریخی ایران در رابطه با دریای مازندران عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ است، حال آنکه در اجلاس سران برخی از روسای دول شرکت کننده اعلام داشتند عهدنامه های مزبور به تاریخ سپرده شده است و فاقد حیض انتفاع است، دروغا که سکوت ایران در قبال چنین اظهار نظرانی در آینده بعنوان رضایت ایران تلقی خواهد شد و بیش از پیش مبانی حقوقی ایران مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

نکته آخر آنکه سفر پوتین به ایران نه تنها به حل مسئله وقت ایران کمک نخواهد کرد بلکه موجب پیچیدگی بیشتر آن خواهد شد و دول غربی را بر آن خواهد داشت که اقدامات شدیدتری چه از طریق شورای امنیت و چه از خارج آن علیه ایران در پیش گیرند. به دیگر سخن کلید حل مسائل و مشکلات ایران در گروی نیل به تفاهم مرضی الطرفین با غرب است. بخصوص با در نظر گرفتن این واقعیت که موضع روسیه در قبال ایران موضعی است تاکتیکی و در عین حال بهره جویی ابزاری، حال آنکه با جهان غرب و آمریکا موضعی است استراتژیکی و به همین جهت در تصمیم گیریهای نهایی با آنها همراه و هم صدا بوده است و بظن غالب در آینده نیز به همین نحو عمل خواهد کرد ضمن آنکه متقاضی تعدیلاتی خواهد بود.

به دریای سیاه در آینده نوید دهد. البته بدون آنکه ضرب الاجلی برای انجام این مقصود پیش بینی شده باشد.

۵- درباره پیشنهاد روسیه در مورد فعالیت های نظامی در دریای مازندران در قالب "فرمول توازن پایه در نیروهای کشورهای حاشیه" و ایجاد "ساختار نظامی در حد کافی و معقولانه" باید گفت نظر ایران از ابتدا ناظر به غیر نظامی کردن دریای مازندران و استفاده از آن به عنوان پل دوستی و همکاری بین دول ساحلی بوده است. ولی روسیه شدیداً معتقد به میلیتاریزه یا نظامی کردن این دریا بوده است. زیرا روسیه نیک می داند که پایگاههای موجود آن دولت در آسیای مرکزی و قفقاز مشمول ضرب الاجل زمانی ۵ یا ۱۰ ساله است و از لحاظ سیاسی در خصوص تمدید آنها تردید هایی وجود دارد. بنابراین دریای مازندران بعنوان پایگاه دریایی مطمئن، پایدار و از لحاظ سیاسی بی دردسر است و از این پایگاه روسیه قادر به کنترل آسیای مرکزی، قفقاز و حتی همسایه های جنوبی آنها می باشد. به همین جهت روسیه قسمت عمده از ناوگان دریایی خود را از دریای سیاه به این دریا منتقل نموده است. از سوی دیگر از آنجائیکه بعضی از کشورهای ساحلی چون آذربایجان متقاضی الحاق به پیمان امنیتی ناتو هستند و یا ممکن است مشارکت برخی از قدرتهای خارجی چون آمریکا را برای ایجاد و توسعه ساختار نظامی - دریایی خود طالب شوند، بنابراین روسیه برای پیش گیری از چنین احتمالات بر آن است در ترتیبات سیاسی منطقه ای مورد نظر اصولی مبتنی بر عدم حضور و مشارکت نظامی دولتهای خارجی در دریای مازندران پیش بینی شود. بعلاوه مشارکت نظامی کشورهای ساحلی باید در حد کافی و معقولانه در نظر گرفته شود، به نحوی که برتری و هژمونی روسیه در این دریا محفوظ بماند.

۶- در خصوص ماده ناظر به ایجاد بازار اقتصادی مشترک حوزه دریای مازندران، لازم به یادآوری است که چهار کشور ساحلی دریای مازندران، یعنی ترکمنستان، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ایران از قبل در سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) عضویت داشته و همراه با دیگر اعضا در طلب حصول فرآیند همکاریهای اقتصادی مورد بحث بوده اند. ولی تاکنون سازمان مزبور نتوانسته است آنچنانکه باید انتظارات اقتصادی مورد نظر را برآورده نماید. اینک سؤال اینست سازمان مورد پیشنهاد جدید تا چه حد می تواند به این مقصود دست یابد؟ بی تردید از لحاظ اصولی ایجاد بازار مشترک دریای مازندران در خور توجه است. با ملاحظه آنکه روسیه از قبل در بهره برداری از منابع نفت و گاز سه کشور ساحلی یعنی ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان